

## ۹۹ - نوم و رؤیا و تعبیر و حکم

از حضرت بهاء الله در لوحی است. **قوله الاعلی:** "و همچنین از نوم سئوال شده بود او عالمی است از عوالم الهیه و مدل و مشعر بر امورات نا متناهیة از جمله دلیل بر عالمی که بدو و ختم و اول و آخر در او مشاهده نمیشود چنانچه حال امری در نوم مشاهده میشود و بعد از سنین معدودات بعینه همان ملاحظه میگردد بیک نظر اگر گفته شود عالم مثال است بین عالمین شبه ملکوت که آنرا بعضی مثال دانند مابین جبروت و ناسوت صحیح است باری اگر تفکر در او کنی مطالب لانهایه ادراک نمائی و همچنین دالّ است بر حشر و بعث بعد از موت چنانچه لقمان پسر خود گفته اگر قادری که خوابی قادری که نمیری و اگر بتوانی بعد از نوم بر نخیزی میتوانی بعد از موت محشور نشوی کما ان الموت حقّ کذلک النوم حقّ و کما ان بعد النوم انتباه بعد الموت قیام و باختلاف نفوس و افکار و اکل و شرب گاهی مختلف میشود در رؤیای نفوس مقدّسه اختلاف نبوده و نیست چه که عین یقظه بوده. ای سائل انسان فهرست اعظم و طلسم اقوم است فهرستی است که در او مثال کلّ ما خلق فی الارض و السماء موجود و روح چون از تقييدات عرضیه و شئونات وهمیه فارغ شود جمیع مراتب را سیر نماید و هر چه فراغتش بیشتر سیرش شدید تر و ثابتتر و صادقتر است."

**و در لوحی دیگر قوله الاعلی:** "از جمله مخلوقات نوم است ملاحظه کن چقدر اسرار در او ودیعه گذاشته شده است و چه حکمتها در او مخزون گشته و چه عوالم در او مستور مانده. ملاحظه فرمائید که شما در بیتی میخوابید که درهای آن بیت بسته است یک مرتبه خود را در شهر بعیدی میبینید بی حرکت رجل و تعب جسد بآن شهر داخل میشوید و بی زحمت چشم مشاهده میکنید و بی محنت گوش میشنوید و بی لسان تکلم مینمائید و گاه هست آنچه شنیده‌اید ده سال بعد در عالم زمان بحسب ظاهر بعینه آنچه در خواب دیده‌اید میبینید حال چند حکمت است که در آن نوم مشهود است و غیر اهل این وادی کما هی آنها درک نمیکنند اول آنکه آن چه عالم است که بی چشم و گوش و دست و لسان حکم همه اینها را دارد و معمول میشود و ثانی آنکه در عالم ظهور اثر خواب را امروز مشاهده میکنید لکن این سیر را در عالم نوم ده سال قبل دیده‌اید حال تفکر نما فرق این دو عالم و اسرار مودعه آنها تا بتأییدات الهی بمکاشفات سبحانی فائز شوی."

**و در لوحی دیگر. قوله الاعلی:** "و اما ما سألت عن العوالم فاعلم بان لله عوالم لانهاية بما لا نهاية لها و ما احاط بها احد الا نفسه العليم الحكيم تفكر في النوم و انه الاية الاعظم بين الناس لو تكونن من المتفكرين مثلا انك تری في نومك امر في ليل و تجده بعينه بعد سنة او سنتين او ازید من ذلك او اقل و لو يكون العالم الذي انت رأيت هذ العالم الذي تكون فيه فيلزم ما رأيت في نومك يكون موجودا في هذ العالم في حين الذي تراه في النوم و تكون من الشاهدين مع انك تری امرا لم يكن موجودا في العالم و يظهر من بعد اذا حَقَّق ان العالم الذي انت رأيت فيه ما رأيت يكون عالما آخر الذي لا له اول و لا آخر و انك ان تقول هذ العالم في نفسك و مطوى فيها بامر من لدن عزيز قدير لحقّ و لو تقول بان الروح لما تجرد عن العلائق في النوم سیره

الله في العالم الذي يكون مستورا في سر هذ العالم لحقّ و انّ لله عالم بعد عالم و خلق بعد خلق و قدر في كلّ عالم ما لا يحصيه احد الا نفسه المحصى العليم."

**و در لوحی دیگر. قوله الاعلی:** "از معبّر سنوال نموده بودید عبّر الرؤیا انا اذناک و نؤیدک فی ذلك انه لهو المقتدر القدير انما الاصل هو الاستقامة على امری من فاز به یجرى الله من قلبه بحور الحقائق والعرفان و من زل انه من الجاهلین."

**و در لوحی دیگر است. قوله الاعلی:** "نوم با احکام منصوصه الهیّه مقابله و معادله ننماید ضع النوم و خذ ما انزله الوهاب فی الكتاب."

**و در صحیفه اصول و فروع حضرت نقطه است. قوله الاعلی:** "بدانکه این ظهور آیات و مناجات و علوم لدنیّه از نومی است که مشاهده نموده بآنکه رأس مطهر جناب سیدالشهداء علیه السلام را مقطوع از جسد مطهر با رأس ذوی القربی و هفت جرعه دم از کمال حبّ از دم آن جناب شهید نوشیده و از برکت دم آن حضرت است که صدر آن بمثل این آیات و مناجات محکمه منشرح گشته الحمد لله الذی اشربنی دم حجتّه و جعله حقیقه فؤادی و لذلك قد نزل البلاء بامضائه فانا لله و انا الیه راجعون و ان بمثل ذلك فلیعمل العالمون."

**و در توقیعی از آن حضرت است. قوله الاعلی:** "ما تری فی المنام مطابقا لامر الحقّ فاعمل به و الا فلا."

**و در مناجاتی از آن حضرت است. قوله الاعلی:** "و انک لتعلم انی رايت فی المنام من قبل فی ذلك البيت الذی انا قد کنت جالسا فیه ان وسطه مرقد و علیها ضریح و لما قربت المرقد رايت ان محمد الجواد خرج من الضریح باحسن صورة لا یمکن فی الابداع مثلها ففی الحین عرفت امامی من الهام ربی و سلمت علیه و کان لیدی من احد مثل ما نزل لی الیوم من آلاء ربی و قیمت تلقاء الکعبة فی مقامی هذا و اخذت قشرة و جعلته فی کفی بین یدی مولای فاخذ روحی فداه بعضامنه ... فاکل روحی فداه و اکرمی بعضامنه ثم اخذ من حیبه کفین من حلو الذی یقول الاعجمین انه نقل هل و اکرمی بجوده ما یشاء من آلائه و ان من بركة عطائه کان یشرح صدری."

**و در توقیعی دیگر است. قوله الاعلی:** "فایقن ان فی النوم مثل الروح مثل الشمس فی مقامها لم یرج من الجسم بل بنوره یشاهد ملکوت السموات والارض فان کان مومنا یشاهد الكل بحکم علی مقامه و له تأثیر لا ینفک عنه و ان کان کافرا یشاهد الاشیاء علی صور المعکوس لکفره و له بالعدل تأثیر لا ینقلب عنه و ان الله قد خلق النوم فی العباد لیوقنون بعوالم الاخرة و النشأة الباقیة و ان عمر الدنيا و تغیرها بعد الموت بمثل نوم یری اخذ فاذا قام لا یری منه شیئی الا اثر تعبیره فسبحان الله من الذین یرکنون فی الدنيا و یخافون عن دار الاخرة و نعیمها فسبحانک اللهم یا الهی قرب ایام لقائک فان الدنيا تحزننی و ان

اهلها يعادونني و انا عدو لاعدائك رب فرق بيني و بينهم و ادخلني في عبادك المقربين و ان نزع الروح و انجذابه الملك اليه لكان من امرالله و ان في حقيقة كلّ ذي روح مرات فيه جمال حسين بن علي عليهما السلام فاذا جاء ساعة الموت ياخذ الملك ما وقع على المرات من سيئاته و شؤوناته فحينئذ عبد المؤمن يصعد اليه بالروح و الريحان بشأن الذي لو يمسه جنود السموات و الارض لن يقدر و الرجوعه و ان عبد المشرك من سطوته يفر بحيث لو ياخذ جنود السموات و الارض لن يقدر ان يقبل ذلك حكم الله من قبل و من بعد و ان كلّ شئى هالك الا وجه ربك ذو الجلال و الاكرام."

**و در توقيعی دیگر است. و از حضرت عبدالهء است. قوله العزيز:** "و اما در خصوص رؤيا سئوال نموده بوديد رؤيا را مانند بيداری فرض نمايد چه بسيار که دو نفس ملاقات نمايند و با يکديگر مذاکره و محاوره کنند يکی را در خاطر ماند و ديگری بکلی فراموش کند. در عالم رؤيا نیز چنان است و سبب نسيان اين است که قضيه چنانکه بايد و شايد در محفظه قوه حافظه محفوظ نگردد."

**و بيانی از آن حضرت در مجمع زائرين و احباب بتاريخ ۸ اگوست ۱۹۱۹ است. قوله الجليل:** "ميانه جميع اين نعمای جسمانی از همه لذیذ تر خواب است. روح انسانی يک قدر آزاد ميشود چنان که حوادث جسمانی منقطع ميشود روح انسانی قدری آزاد ميشود يعنی در صورتیکه قلوب طيب و طاهر باشد و آلا اگر قلب طيب و طاهر نباشد در عالم خواب انسان خیلی متوحش ميشود و اشیاء هولناکی بنظرش ميآيد اين از آن سبب است که قلب طيب و طاهر نيست و آلا اگر قلب طيب و طاهر باشد خواب از برای انسان آزادی است اگر در زندان باشد خود را در گلستان می بيند، در زیر زنجير باشد خود را جالس بر سرير می بيند. بکلی از احساسات جسمانی بيخبر است اگر افکار باطله در قوه حافظه اش نياید سير عجيبی دارد و چه بسيار ميشود که در مسأله انسان در بيداری فکر ميکند و لکن حلّ نميکند در عالم رويا بسيار واقع شده است که کشف ميکند. بسيار ميشود که رؤيا رؤیای صادقه است چنانچه هرچه می بينيد بعينه ظاهر ميشود محتاج بتعبير نيست چه که خواب بر سه قسم است يکی روياي صادقه است عيناً مثل روشنائی صبح است احتياج بتعبير ندارد همانطور که می بينيد همان طور واقع ميشود و لکن از برای اکثر ناس بلکه عموماً حاصل نمی شود در مدت حياتش برای هر نفسی تصادف ميکند که قلب فارغ است و در قوه حافظه افکار باطلی نيست آنچه که روح کشف طبقاً انعکاس حاصل ميشود اين رؤيا صادقه است که تعبیر ندارد و عين واقع است. قسم ثانیيش رؤیای تعبیری است و آن اين است که در قلب و در ذهن افکار باطله است يک سير روحانی از برای انسان حاصل ميشود آن وقت بايد تعبیر کرد افکار باطله را بايد از انکشافات روحانيّه جدا کرد مثل قماشى ميماند که سفيد است و هر رنگی باو بدهی قبول ميکند عين واقع است ولی اگر در آن قماش رنگی ديگر باشد و رنگی باو بدهی غير واقع است مثل اينکه اگر در قماش رنگ زردی باشد و رنگ آبی بدهی سبز ميشود حالا بايد زرد را جدا کرد تا آبی جلوه کند اين تعبیر است. قسم ديگر خواب اضغاث احلام است مثل اينکه انسان در ايام روز در نزاع و جدالی داخل ميشود در عالم خواب آن حوادث نمودار ميشود اين اضغاث و احلام است نه تعبیر دارد و نه انکشافی است پيش از آن که شخص بخوابد اوهام بر او مستولی شده بود ظاهر اين هيچ تعبیر ندارد اضغاث و احلام است. در نزد انبياء رؤيا قسمی

از وحی است علی‌الخصوص در نزد انبیاء بنی اسرائیل مسأله رؤیا خیلی است. بعضی از انبیاء شب در عالم رؤیا مبعوث شده در عالم رؤیا مشاهده کرده شخصی نورانی یا هیكل ربّانی باو خطاب کرد که فلان تو برو بمملکت اسرائیل چنین القاء کن و چنین و چنان بگو او هم صبح بر میخاست و تبلیغ میکرد که فلان مسأله که در او متحیرید چنین است یا آنکه حل آن بدین واسطه است این من دون اراده واقع میشود ولی انسان خود را حاضر کند بهتر ظاهر میشود مثل مهمانی است که میاید ولی اگر صاحب خانه آب و جارو کند آسانتر میاید."

**\*\*\*\*\*حاشیه\*\*\*\*\***

قال بعض العارفين الفرق بين الموت و النوم ان في الموت ينقطع تعلّق النفس الناطقة و في النوم يبطل تصرفها فالمراد من خروج النفس الناطقة تصرفها في البدن ... في الحديث ان رسول الله قال ... ان الرؤيا الصادقة جزء من سبعين جزء من النبوة و في بعض نسخ الحديث الصالحة و وصفها بها لان غير الصالحة تسمى الحلم (مجمع البحرين)

در سوره فتح از قران است قوله تعالى: " صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله امنين محلقين روسكم و مقصرين لا تخافون فعلم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا قريبا."